



## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت - 5 شهریور / 1382

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده هم در آغاز عرایض خود لازم می دانم ضمن تجلیل و تکریم از یاد دو شهید بزرگوار، رجایی و باهنر - که هرگز خاطره مسؤولیت کوتاه مدت درخشان این دو عزیز از یاد ما و ملت بیرون نخواهد رفت - و همچنین تجلیل از همه شهدای دولت - که جزو عزیزترین شهدای این ملتند که بعضی در مقامات عالی بودند و در عین حال خود را در معرض فداکاری قرار دادند و شهید شدند - این هفته را به همه برادران عزیز دولت، بخصوص جناب آقای رئیس جمهور و آقایان وزرای عزیزی که تشریف دارید، تبریک بگویم و همین طور از تلاش فراوانی که در بخشهای مختلف صورت می گیرد و من البته در جریان این تلاشها غالباً قرار می گیرم، تشکر کنم.

البته بنده می دانم که بسیاری از ریزه کاریها و تلاشها و مجاهدتها و اهتمامها هست که نه در گزارشها می آید، نه قابل نوشتن است، بلکه بین خود آن انسان با اهتمام و دلسوز و بین خدا باقی می ماند که اجر الهی اینها بسیار بالا و بارزش است. گله ای هم من از این معنا دارم که این تلاشها آن چنان که شایسته است منعکس نمی شود. البته می توان دستگاههای اطلاع رسانی و صدا و سیما و مطبوعات و ... را مخاطب قرار داد، از آنها گله کرد؛ لیکن به نظر من از خود دولت باید بیشتر از همه گله مند بود. این کارهایی که انجام گرفته، باید به شکل هنرمندانه در خدمت

تصحیح ذهنیت بعضی از افرادی که ذهنیت درستی ندارند قرار گیرد و مردم را آگاه کند؛ روشن بینی بدهد. چون حجم و کیفیت کارها واقعاً بالاست، برایش فکری بکنید؛ زیرا به صرف این که انسان بگوید این مقدار کارها را کرده ام یا این مقدار کار در این بخش انجام گرفته، چندان روش کارآمد و کارسازی نیست؛ واقعاً باید شیوه های کارساز را در نظر گرفت. همین مطالبی که آقایان در این جلسه گفتند، خیلی خوب است که به نحو مناسبی منتقل و منعکس شود تا مردم بدانند که مسؤولانی که در مسؤولیتهای بالای دولت قرار دارند، چه حجم عظیمی از کارها را انجام می دهند. مثلاً همین آمار کاهش رشد تورم اوائل سال هشتادویک که آقای وزیر بازرگانی گفتند، مهم است. اینها مطالبی است که اگر گفته شود و مردم مطلع شوند، خوب است، چون تلاشهایی که در طول چند سال صورت گرفته تا چنین حادثه ای پیش آید، آسان نیست و کنترل رشد تورم کار مهم و دشواری است که بالاخره صورت گرفته است. البته این رشد اخیر یک مقدار ذهنها را خراب کرد و گله ها را برانگیخت که حالا تلاش می کنید تا جلوش را بگیرید و من می خواهم بگویم این تلاش را متوقف نکنید؛ یعنی کاری کنید که باز همچنان این تلاش ادامه داشته باشد - ستادی که اشاره شد، در اسفند هشتادویک تشکیل شد و این گرانیها عمدتاً در این یکی دو ماه اول هشتادودو صورت گرفت. گاهی اوقات این ستاد تشکیل می شود؛ اعلان هم می شود، بعد در عمل دو سه ماه این طور قیمتتها ناگهان بالا می رود! - و نگذارید که ناهمخوانی دیده شود و به وجود آید. به طور جدی کارها به همین شکلی که در این یکی دو ماه اخیر دنبال شد، دنبال شود.

من با شما دوستان عزیز حرفهای زیادی برای گفتن دارم که می دانم مورد علاقه و جالب نظر شما هم هست، منتها الان مجال نیست؛ به تعبیر معروف: «یک سینه حرف موج زند در دهان ما»؛ حرفهایی که بسیاری ممکن است امیدبخش باشد.

اولین حرف من این است که این سیره تلاش و مجاهدت مستقلانه و با اتکاء به خداوند متعال را رها نکنید، چون هرچه خیر و برکت برای کشور وجود دارد، در سایه این موضوع است. اساس این است که یک مسؤول برای کار و تلاش همت کند و هدف اصلی اش هم رضای الهی باشد که البته در طول رضای الهی، رضای مردم است؛ یعنی آن جایی که ما برای رضای خدا کار می کنیم، حتماً رضایت مردم را هم باید در نظر بگیریم تا تأمین شود. هرچه و هر جا که ما کوتاهی کرده ایم، اثرش دیده شده و آن به خاطر عدم استقامت در این راه است. این راه را ادامه دهید؛ راه، راه.



پُربرکتی است.

امروز کشور عزیز ما از لحاظ پیشرفت با بیست و بیست و پنج سال قبل قابل مقایسه نیست و این در حالی است که در این بیست و پنج سال همه دستگاههای قدرتمند دنیا از لحاظ سیاسی، فناوری، علمی و تجاری با ما سر ناسازگاری داشته اند. این يك واقعیت است. ما البته تلاش کردیم که روابطمان را با دنیا عادی کنیم و به میزان زیادی هم موفق شده ایم؛ اما این طور نبوده که در يك بخش از دنیا انگیزه فراوان و عمیقی برای کمک به ما وجود داشته باشد. البته عکسش چرا؛ مراکزی وجود داشته اند که خواسته اند کارشکنی کنند. این توفیقاتی که امروز چه در زمینه فناوری، چه در زمینه ساختهای زیربنایی و اساسی برای آینده کشور و چه در زمینه رشد علمی در زمینه های گوناگون ملاحظه می کنید، در سایه تلاش هویت ملی و اسلامی خودمان توانسته ایم به دست آوریم. این را باید ادامه داد.

نکته دوم این است که کارهایی که يك دولت باید انجام دهد، به طور کلی دو نوع است: يك نوع کارهای سازندگی اساسی است، يك نوع کارهایی است که برای تسهیل زندگی فعلی مردم مورد نیاز است. طبیعت و مقدمات این دو کار با همدیگر تفاوت دارد. اگرچه آن کار نوع اول در نهایت به این نتیجه مطلوب از کارهای نوع دوم منتهی خواهد شد؛ یعنی شما که امروز چه در زمینه نفت، راه، صنعت، کشاورزی و چه در زمینه بازرگانی و ... تلاش می کنید، کارهای ماندگاری انجام می دهید که بالاخره سه، پنج یا ده سال دیگر در زندگی مردم منعکس خواهد شد و مردم نتیجه کار شما را بلاشک در سفره، خانه و جیب خودشان حس خواهند کرد؛ لیکن این کارها علی العجالة کارهای بلندمدت و سازنده قواره کلی کشور است. اما نوع کار دوم، کارهای روزمره است که به نظر من ظرافتش بیشتر از کارهای اساسی و بنیادی است. روزمره که می گویم، به معنای آن روزمرگی ضد ارزش نیست که بگوییم دچار روزمرگی شده ایم؛ نه، بلکه منظور کارهای نقد است؛ آن چه که امروز احتیاج است که از حضور آن کار، برای پیشبرد کشور و رسیدن به اهداف استفاده کنیم.

ما می خواهیم همه کارهایمان را در سایه تکیه به ملت انجام دهیم - که تا به حال هم همین طور بوده است و همه آنچه که در این کشور صورت گرفته، به اتکاء ملت انجام گرفته است - چون ملت با دولت و با مسؤولان کشور دل همراه داشته؛ همراهی کرده و بر بعضی از مشکلات صبر نموده و در هر جا که لازم شده، کمک کرده است و ما هم توانسته ایم این راه دشوار را تا امروز طی کنیم. اولین شرط این است که ما بتوانیم این ملت را همچنان در صحنه نگه داریم. این، مورد اتفاق همه است و همه هم این حرف را می زنند و می گویند؛ منتها راههای متفاوتی پیشنهاد می شود. آنچه که به نظرم می رسد لازم است برای حفظ همگرایی مردم با حکومت انجام دهیم، یکی از بین بردن مسأله تشجهای سیاسی است. باید هرچه ممکن است، نگذاریم فضای سیاسی کشور متشنج شود. البته ممکن است يك طرف قضیه شما یا بخشی از شما باشد - من نمی خواهم همه خطاب را به شما بکنم؛ مخاطب من همه دستگاههای کشورند - اما در مجموع وقتی به صحنه سیاسی کشور نگاه می کنم، می بینم مجادلات بی مورد وجود دارد. این مجادلات، فضای سیاسی کشور را زهرآگین می کند و تنفس در آن، مردم را از لحاظ روحی افسرده و بیمار می سازد و طبیعی است که در علاقه شان به نظام، کشور و مسؤولان اثر می گذارد. البته ممکن است در ماجرای يك نفر مقداری محبوبیتش بالا برود و نفر دیگری محبوبیتش پایین بیاید؛ یا يك بخش بالا برود و بخش دیگری پایین بیاید؛ اما در قضیه دیگری عکس این خواهد شد. البته نتیجه یکسان است؛ نتیجه به زیان کشور است. یکی از اهداف مهم ما و شما دوستانی که در دولت حضور دارید - که از جمله شرکای این مسأله هستید - باید این باشد که سعی کنیم فضای کشور را منطقی، معقول و دور از مجادلات و کشمکشهای سیاسی قرار دهیم.

مسأله دیگری که از موجبات واگرایی و دلسرد شدن مردم است، تبعیضها و فرصتهای اختصاص داده شده به اشخاص است که گاهی مشاهده می شود. بالاخره مردم مطلع می شوند و دشمن هم که جنگ روانی با ما دارد، از این مسائل



استفاده می کند. من البته نمی خواهم مثال بزنم و خود شما امثله فراوانش را می بینید. هر جا هستید، نگذارید این تبعیضهای مَبان و فرصتهای اختصاصی که برای بعضیها پیش می آید، وجود پیدا کند؛ به نظر من درست نیست. در همین رابطه، مسأله مفاسد اقتصادی قرار می گیرد که اتفاقاً آقای «مظاهری» فرصت نشد بیان کنند، ولی من مقداری از گزارشی که ایشان دادند و گزارشی هم که از دفتر ما تهیه شده بود، به تفصیل نگاه کردم. کارهای خوبی شده است؛ بخصوص در آن ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی که آقایان سران سه قوه به وجود آوردند و بعضی از دوستان حاضر در جلسه هم در آن عضو هستند. در آن جا مصوّبات خوبی داشته اند که خیلی از آنها غالباً در پیچ و خم اجرائیات دولت و مجلس متوقف مانده است. به نظرم در سال گذشته بود که در جلسه ای با شما دوستان دولت یا جلسه دیگری گفتم که به اعتقاد من مرکزی که باید مبارزه با مفاسد اقتصادی را دنبال کند، دولت است و قوه قضاییه در مرحله آخر قرار می گیرد. باید دولت سینه سپر کند و به میدان بیاید و مبارزه با مفاسد اقتصادی را به جد بخواهد. آن جایی که لایحه می خواهد، تنظیم کند و بلافاصله به مجلس بدهد و از مجلس مطالبه کند. وقتی لایحه می آید به شکل قانون می شود؛ به دقت اجرا کند. آن جایی که محتاج قانون نیست، بخشنامه های گوناگون و تصویب نامه های دولت کفایت می کند. بالاخره به جد دنبال کند؛ باید این مسأله را جدی بگیریم.

مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست. الان درباره مشروعیت حرفهای زیادی زده می شود، بنده هم از این حرفها بلدم؛ اما حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که این جا نشسته ام، وجودم نامشروع خواهد بود؛ یعنی هرچه اختیار دارم و هرچه تصرف کنم، تصرف نامشروع خواهد بود؛ دیگران هم همین طور. ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده ایم. ما آمده ایم جامعه را از مواهب الهی خودش - که مهمترین مواهب الهی در عدالت وجود دارد - و همچنین مواهب اخلاقی و معنوی برخوردار کنیم. البته معنای این حرف این نیست که ما از زندگی دنیایی مردم غفلت کنیم؛ نخیر، مگر می شود؟ اصلاً آخرت بدون دنیا نمی شود و امکان ندارد که انسان بخواهد به آن مواهب معنوی برسد و دنیای ویرانی هم داشته باشد. این کار، دلایل واضحی دارد که نمی خواهم آنها را تکرار کنم - مطالبی است که هم شما می دانید، هم من - باید دنیا را آباد کنیم و این کارها همه آباد کردن دنیاست؛ اما دنیای آباد دور از عدالت و دور از معنویت به درد نمی خورد. گیرم که رشدمان - به تعبیر غلط که گفته می شود نرخ رشد - آمد بالا و فرض بفرمایید درآمد سرانه مان دو برابر و سه برابر شد؛ اما عدالت در جامعه نبود؛ یعنی عمده این درآمد به یک بخش محدودی رسید و بخش عظیمی از مردم، محروم و گرسنه ماندند. این، کاری نیست که ما باید انجام دهیم؛ این، آن تکلیفی نیست که ما برعهده داریم. تکلیف ما این است که عدالت را در جامعه مستقر کنیم و این هم جز با مبارزه علیه فساد و افزون طلبی انسانهای مفتخوار و سوءاستفاده کن امکان پذیر نیست. بخشی از کار عدالت این جا تنظیم می شود. مسأله دیگر، وجود دو گرایش تبلیغاتی غلط است: یکی این که عده ای هر مشکل موجود در کشور را به نظام نسبت دهند، که این الان وجود دارد. اگر تبعیض و فقر هست و اگر مشکل خارجی پیدا می کنیم، قواره نظام اسلامی و قانون اساسی را زیر سؤال می برند و هر مشکل کوچکی در هر گوشه ای را به مشکل نظام برمی گردانند! این غلط است. نقطه مقابل آن، که صدوهشتاد درجه با این تفاوت دارد، این است که عده ای نظام را - که نظام را هم در رهبری یا چیزی مثل رهبری خلاصه می کنند - از همه عیوب مبرا نشان می دهند و هر مشکلی که هست، به پای چهار، پنج مسؤول یک بخش از نظام می ریزند. این هم غلط است. ما مشکلاتی داریم که این مشکلات غالباً ناشی از عملکرد مجموعه خود ماست. باید ریشه مشکلات را بشناسیم و به خودمان - همان طور که آقای خاتمی در صحبت اول جلسه اشاره کردند - نگاه نقادانه کنیم؛ نقاط قوت و ضعف را بیابیم و دلسوزانه به نقاط ضعف بپردازیم و آنها را برطرف کنیم. این، ما را موفق خواهد کرد.

موضوع دیگر، احساس تنعم و زندگی مرفه مسؤولان است. من از این بابت من واقعاً رنج می برم. این البته خطاب



به شما نیست. بعضی از شما زندگیهای خیلی معمولی و خوبی دارید. روند کار نباید به سمت تنعم روزافزون مسؤولان و تظاهر به این معنا باشد؛ این غلط است. البته در نوع انعکاس مسافرتها، کارها، زندگیها و جلسات ما به مردم هم گاهی چیزهایی دیده می شود که مردم را دلسرد می کند و به طور عمیق روی آنها اثر می گذارد. از عوامل دیگری که باعث واگرایی مردم است، تبلیغ ضعف مدیریت در کشور و نبود اقتدار است. متأسفانه تبلیغات گوناگونی از جناحهای متخالف کشور وجود دارد که انسان از این رنج می برد. به قول ما طلبه ها ظاهرًا يك اجماع مرکب درست می کنند؛ يك عده از این طرف، يك عده از آن طرف و مدیریت و اقتدار مدیرانه در کشور را زیر سؤال می برند؛ البته عده ای با يك انگیزه و عده دیگری با انگیزه صددرصد مخالف آن، که هر دو نتیجه اش بد است. الان کشور با مدیریت خوبی اداره می شود. مگر شوخی است که کشوری هفتاد میلیونی و با این عظمت و با این همه درخواستها و توقعات و انتظارات و با این همه دشمنیها این همه پیشرفت داشته باشد؟! مگر بدون مدیریت و با نشستن و خوابیدن و امور را همین طور به حال خود رها کردن، چنین چیزی پیش می آید؟! امکان ندارد؛ نخیر، مدیریت مقتدری بحمدالله در بخشهای مختلف کشور وجود دارد. البته نقص و نارسایی هم هست که باید این نارساییها را کوچک نشمرد و ترمیم و اصلاح کرد، که این هم باز همان مدیریت و اقتدار را لازم دارد. این نکته ای است که آقایان باید در اظهاراتشان به آن توجه کنند.

البته عملکردهای تنگ نظرانه ای هم وجود دارد. بعضیها به اندک چیزی افرادی را که در جامعه هستند، بریده از نظام و مخالف نظام تلقی و وانمود می کنند. این، متأسفانه از طرف هر دو جناح است. يك جناح به عنوان سختگیری دینی، يك جناح به عنوان انتقاد به نظام، هرچیزی که گوشه ای دیده می شود، می گویند ضد نظام است؛ نخیر. جوانان فراوانی هستند که ممکن است رفتارهایی هم داشته باشند که خیلی با بعضی از استانداردها تطبیق نکند؛ اما دلشان با نظام است. همینها ایند که می آیند در اجتماعات، انتخابات، تظاهرات و جاهایی که احساسات ملی نشان داده می شود، خودشان را نشان می دهند و به کشور و نظامشان علاقه مندند. آن کسانی که معاند با نظامند، در کشور بسیار معدودند. مردم می بینند نظامی است که فعالیت، کار، استقامت و تلاش می کند؛ بنابراین به نظام اسلامی خودشان و به مدیریت که امروز در بخشهای مختلف کشور وجود دارد، علاقه مندند و آثار و نتایجش را هم می بینند. البته ممکن است انتقادات و اعتراضهایی هم داشته باشند که آنها را هم باید دانست و شنید و با آنها برخورد کرد؛ نباید فوراً حکم کرد به این که این جا چنین است، آن جا چنان.

در آن نوع دوم از کارهایی که لازم است برای مردم انجام گیرد، توصیه می کنم سعی کنید مردم را به آینده نظام و بهبود وضعیت خودشان امیدوار و به دلسوزی خودتان هم نسبت به آنها مطمئن کنید. مردم احساس کنند که مسؤولان کشور نسبت به آنها دلسوزند و مسائل آنها را درک می کنند. همین تلاش و اقدامی که دولت برای جلوگیری از گرانیها انجام داد، در مردم خیلی حُسن اثر بخشید و خیلی آنها خرسند و خوشحال شدند. درست است که هنوز کار به طور کامل انجام نگرفته و باز هم کارهای دیگری در این زمینه باید صورت گیرد؛ اما نفس این که دولت فوراً متوجه شد، مهم است. بخشی جنسی را گران می کند، بخش دیگری هم همین کار را می کند و آنها توجه به کلیت مسأله و برآیند مجموع این گرانیها ندارند که بعد چه بر سر مردم می آید و زندگی بخصوص قشرهای ضعیف چگونه به سمت منفی تحوّل پیدا می کند. دولت متوجه شد و به میدان آمد؛ اظهارات خوب و تلاش خوبی انجام گرفت. اینها مطالبی است که به نظر من مفید است و باید به این نکات توجه داشت.

نکته دیگر این است که در زمینه های کار اقتصادی، عمده تلاش را باید روی تولید برد. اساس مسأله، تولید است. ببینید در کدام نقطه از مجموعه مقررات کشور مزاحم با تولید وجود دارد، آن را علاج کنید. البته این کار نگاه کلان و دید وسیع اقتصادی لازم دارد که مجموع بخشها - وزارت اقتصاد و دارایی، بانک مرکزی، وزارتخانه های صنایع، کشاورزی، بازرگانی و... - که شریک در امر ترکیب و ساماندهی اقتصادی کشور هستند، با همدیگر روی این مسأله



فکر کنند و ببینند کجا گیرهایی وجود دارد که مانع تولید - چه تولید صنعتی و چه تولید کشاورزی، علمی و آنچه مربوط به وزارت علوم و آموزش و پرورش و کارهای تحقیقاتی و پژوهشها می شود - است. امروز حقیقتاً زمینه تولید در کشور وجود دارد و ما مدیران، متخصصان و فن آوران خوب و استعدادهای درخشان و بالا و دل‌های گرم داریم. چند روز قبل گزارشی راجع به تولید و تکثیر و انجماد سلولهای بنیادی به من دادند. این یک کار بسیار عظیم و پیچیده علمی است که در معدودی از کشورهای دنیا انجام گرفته است. در کشور ما این کار بی سروصدا اتفاق افتاده و هنوز اعلان هم نشده است. به نظر من اهمیت این کار کمتر از کار هسته ای که ما کردیم، نخواهد بود. این کار در آینده پزشکی دنیا ارزش زیادی دارد و دنیا از آن به عنوان یک انقلاب پزشکی نام می برد. یک گروه جوان مؤمن انقلابی و واقعاً جهادی که از همین بچه های جهاد دانشگاهی هستند، راجع به این مسأله چند سال کار کرده اند و به نتایج خوبی رسیده اند - البته باید کار ادامه پیدا کند تا به آن نتایج نهایی اش برسد - که ان شاءالله خودشان اعلان خواهند کرد. بنابراین ما چنین زمینه های رشد علمی و فکری در کشور داریم که از ارزش بالایی برخوردار است. نکته دیگر، مسأله صرفه جویی است. دیروز که آقای مظاهری و دکتر شیبانی این جا بودند، دیدم که آنها هم روی صرفه جویی تکیه می کنند. واقعاً صرفه جویی را جدی بگیرید. در جاهایی هرز رفتن ثروت ملی را داریم؛ واقعاً صرفه جویی باید یک اصل در دولت به حساب آید.

در باب تولید عرض کنم که باید به طرف مصرف تولیدات داخلی رفت. وقتی می خواستند ساختمان اجلاس بین المللی را بسازند - ساختمانی که امروز ما پُزش را می دهیم - مهندسان آن این جا آمدند. من به آنها گفتم تصمیم قطعی بگیرید که در این ساختمان هیچ مصالح خارجی به کار نرود. فقط در آخر کار در بخشی از کارهای صوتی و الکترونیکی و استفاده از موکت نسوزی که در داخل نمی توانیم تولید کنیم، از تولیدات خارجی استفاده کردند. این ساختمان به آن عظمت، نود و چند درصد مصالحش از تولیدات داخلی است. بنده در قضیه ساخت آن ساختمان چند بار قاطع این موضوع را گفتم و ابلاغ کردم که رفتند و دنبال کردند و شد. ما می توانیم؛ این همه تولید داخلی داریم: چینی، بلور و کارهای چوبی به این خوبی داریم، که باز آقایان و بخصوص این شرکتها از خارج می آورند! درباره تشنج سیاسی، بخصوص در این برهه ای که ما نزدیک به انتخاباتیم، از آقایان - بخصوص بخشهای سیاسی دولت - خواهش می کنم که نسبت به این مسأله به طور جدی اهتمام بورزند که کاری کنیم که فضای کشور در آستانه انتخابات یک فضای معتدل، آرام و دلنشین باشد، تا مشوق مردم برای انتخابات شود. ما به فضل پروردگار انتخابات پرشوری خواهیم داشت - همین طور هم خواهد شد، ان شاءالله خواهید دید - و به فضل الهی شرکت خوبی از مردم در این انتخابات دیده خواهد شد. من همیشه گفته ام نتیجه انتخابات که مسأله بسیار مهمی است، مسأله دوم ماست. مسأله اول، نفس انتخابات است که انتخابات باید با شور و هیجان و حضور مردمی صورت گیرد. این در درجه اول است. باید همه تلاشمان را بکنیم که ان شاءالله انتخابات خوبی داشته باشیم. نگذارید در تصمیم گیریها و کارها مثل بعضی از حوادثی که اخیراً اتفاق افتاد و مطلوب نبود، اشتباهی رخ دهد، تا ان شاءالله خدای متعال هم تفضل و رحمتش را شامل حال ما کند. ان شاءالله موفق و مؤید باشید و خداوند شما را تأیید کند. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته